روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۳۰ آبان ۱۳۹۴ • ۹ صفر ۱۴۳۷ • ۲۱ نوامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۵۳ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۴ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

واسه خودت خوبه

پوریا عالمی

● به‌مناسبت هفته کتاب رفتم وزارت ارشاد ببینم مجوز این کتابه چی شد. آقا مجوزچی گفت از صفحه ۷ تا صفحه ۹۴ باید حذف شود. گفتم، ببخشید این کتاب کلا ۹۶ صفحه است آقاهه گفت. تعاملت کو؟ سروته کتاب را می‌توانی نگه داری ولی برو توش یک چیز دیگر بریز و بیار، واسه خودت خوبه. گفتم چی بریزم؟ داستان یک آقایی است که می‌خواهد شغل پیدا کند و این وسط با خانمی که در پارک دارد مواد تزریق می‌کند آشنا می‌شود... آقاهه گفت همین دیگر. اولا که داری می‌گویی معضل بی‌کاری در کشور وجود دارد. بعد هم داری می‌گویی خانم‌ها تزریق می‌کنند. ما اصلا معتاد داریم؟ تا حالا پارک‌های ما را که صبح برنامه خانواده نشان می‌دهد ندیدی؟ برو یک چیز دیگر بنویس بیاور واسه خودت خوبه. گفتم باشه ممنون که نگران منی. رفتم توش یک چیز دیگر ریختم و آوردم. داستان مردی بود که تنهایی توی خانه بود و داشت چت می‌کرد. آقاهه گفت چرا این آقا توی خانه چت می‌کند؟ چرا کتاب نمی‌خواند؟ مگر انتشارات حوزه هنری سالانه ۳۰۰تا کتاب چاپ نمی‌کند که دست جوانان بند شود؟ به نظرم چت را ازش بگیر کتاب آخر حوزه هنری را بده بهش یا بنشانش پای برنامه شعر طنز تلویزیون که فرهیخته بار بیاید، واسه خودت خوبه. گفتم چشم. رفتم و داستانی نوشتم که آقایی کل روز نشسته پای تلویزیون و در مسابقات تلویزیونی شرکت می‌کند و هی ساعت دیواری برنده می‌شود و در نهایت به‌عنوان کارآفرین برتر و بعد چهره ماندگار ازش تقدیر می‌کنند. داستان پذیرفته شد و مجوز گرفت. آقاهه گفت طرح جلد کو؟ مجوز گرفتی؟ گفتم نه. گفت بدو بگیر و بیا. عنوان کتاب را هم گذاشته بود مردی که ساعت دیواری شد. عنوان را حذف کردند و گذاشتند جوان موفق ایرانی چطور باعث افتخار خود، خانواده، مردم و تلویزیونش شد؟ گفتم حالا که همه زحمت‌ها را شما کشیدید پس من اسمم را از روی کتاب بردارم و بروم ماستم را بخورم. آقاهه گفت چی؟ هدف ما حمایت از شماست. اسمت باید باشد. الان هم با ۲۰:۳۰ باید مصاحبه کنی و نظر مثبتت را درباره وضعیت نوشتن و وضع نویسندگی به زبان بیاوری. گفتم نه چرا باید این کار را بکنم؟ گفت واسه خودت خوبه.

کارتون خواب

ساسان خادم

پرسه درخیابان‌های پر کتاب

روز بارانی کتاب‌گردی

سعید برآبادی: انتشار فراخوان کتاب‌گردی روز پنجشنبه به پیشنهاد احمد مسجدجامعی باعث شده که چهره‌های مشهور بسیاری را بشود در خیابان‌ها دید که مشغول دیدن ویترین کتاب‌فروشی‌ها هستند؛ از مهناز افشارِ بازیگر تا محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران و مترجمانی چون مهدی غبرایی یا دیدن فرهاد قائمیان و مهتاب کرامتی در پشت ویترین کتاب‌فروشی «رود» . هنوز ظهر نشده که صفی از آدم‌ها کنار صندوق کتاب‌فروشی‌ها راه می‌افتد و همه کتاب‌به‌دست منتظرند که خریدشان تمام شود و بروند سراغ کتاب‌فروشی‌های دیگر. کتاب‌فروشی «لارستان» هم برای پنجشنبه کتاب‌گردی، برنامه‌های خاص خودش را ریخته که یکی از آنها دیدار با احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر و طراح فراخوان کتاب‌گردی، است. مسجدجامعی پس از دیدار با مسئولان این کتاب‌فروشی به نمایشگاه فانوس می‌رود که متعلق به انتشارات صابرین است و از ایده تأسیس کتاب‌فروشی در فضاهای مسکونی دفاع می‌کند؛ طرحی که به تصویب شورای شهر رسیده و هدفش ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در بستر شهرهاست. راسته انقلاب، شلوغ‌تر از روزهای قبلی است؛ بورس فروش کتاب‌های دانشگاهی و آموزشی مملو از دانشجویانی است که آمده‌اند با تخفیف‌های ۱۰ تا ۳۰درصدی، کتاب‌های موردنیازشان را بخرند. در کنار آنها، بازارچه کتاب، بازارچه فروزنده و نشر ققنوس هم شلوغ هستند. سؤالات بیشتر مشتریان درباره کیفیت کتاب‌های تجدیدچاپ‌شده است؛ مثلا می‌پرسند که آیا این کتاب‌ها نسبت به نسخه‌های قدیمی‌تر آن شامل سانسور شده اند یا نه. مسئول فروش ققنوس توضیح می‌دهد که هیچ‌کدام از کتاب‌های عباس معروفی در تجدیدچاپ سانسور نشده‌اند. کتاب‌فروشی آگه، مشتری‌های فراوانی دارد. آن‌طرف خیابان، در نشر افق هم مشتری‌ها به سمت قفسه‌های کتاب کودک هجوم برده‌اند. داخل کتاب‌فروشی پر است از بچه‌هایی که فرفره‌به‌دست مشغول چانه‌زدن با پدر و مادرهایشان هستند و از هیچ کتابی نمی‌گذرند! این تنها گوشه ای از پنجشنبه کتاب‌گردی است که این بار در سراسر ایران برگزار شد. شب پاییزی تهران با باران همراه می‌شود و مردم بسته‌های کتاب را به سرپناه‌های خود می‌برند تا از خیس‌شدن محفوظ بماند.ایران به بهانه کتاب‌گردی پنجشنبه آخر آبان با کتاب و کتاب‌خوانی بیشتر رفیق شده است. از ثمره اتفاق‌های مهم دومین‌سال کتاب گردی، یکی افتتاح چند انتشاراتی و چاپخانه جدید است و یکی رونمایی از ماهنامه «پرنده آبی» که به موضوع کودکان و نوجوانان می‌پردازد.

روایت پنجشنبه کتاب‌گردی

همه ما فرزندان جلال هستیم

علی شروقی: همین‌طور که پشت میز چوبی کافه کتاب مؤسسه مکتب تهران نشسته‌ایم و حرف می‌زنیم، جلال ستاری اطراف را برانداز می‌کند، به نمای چوبی - آجری داخل کافه و به حیاط بزرگی که وسطش حوض است و در باغچه‌اش دو گل سرخ، در زمینه پاییزی و خاکستری بیشتر به چشم می‌آیند، نگاهی می‌اندازد و می‌گوید: «خوب ساخته‌اند اینجا را». ساعت سه بعدازظهر پنجشنبه، ۲۸ آبان است و مکتب تهران، به مناسبت روز فراخوان عمومی برای رفتن به کتاب‌فروشی‌ها، میزبان جلال ستاری و همسرش، لاله تقیان. برنامه دیدار دوستانه‌ای است با جلال ستاری؛ لاله تقیان به شوخی به ستاری می‌گوید: «امروز قرار است شما را با کتاب آشنا کنند!» کمی بعد جلال تهرانی می‌آید. ستاری یکی از طرفداران پروپاقرص تئاترهای جلال تهرانی است و در کتاب «جادوی تئاتر»، از جلال تهرانی به‌عنوان یکی از درام‌نویسانی نام برده که «ذهنیتی خلاق و نویدبخش» دارد و نمایش‌نامه‌هایش «ساختار دراماتیک استواری» دارند. جلال تهرانی و ستاری مشغول صحبت می‌شوند و تهرانی از کار تازه‌اش می‌گوید که به‌زودی قرار است در سالن تئاتر مکتب تهران اجرا شود. نام کار هست: «دور دنیا در هشتاد روز». کامبیز درم‌بخش هم از راه می‌رسد؛ خالقِ «مینیاتورهای سیاه» و بسیار کاریکاتورِ به یادماندنی دیگر. با ستاری و لاله تقیان دوستان قدیمی‌اَند و به هم که می‌رسند از گذشته‌ها یاد می‌کنند. درم‌بخش هم در تدارک نمایشگاهی است از آثاری که خودش می‌گوید به نوعی ادامه همان حال و هوای مینیاتورهای سیاه هستند، همراه با شوخی‌هایی با عبارات و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها. محمدامیر یاراحمدی، نمایش‌نامه‌نویس، هم می‌آید و کمی بعد محمود حدادی، مترجم ادبیات آلمانی‌زبان. حدادی از ترجمه «فاوست» گوته می‌گوید و اینکه ترجمه جلد اول را تمام کرده است. صحبت به ترجمه‌اش از «مرگ در ونیز» توماس مان کشیده می‌شود و حدادی به مشابهت یکی از صحنه‌های رمان توماس مان، با بخشی از فاوست گوته اشاره می‌کند. اشاره‌اش به صحنه جشن شیاطین و شادخواری در رمان توماس مان است که الهام گرفته از صحنه‌ای است در فاوست.

ما فرزندانِ جلال: پشت این میزی که نشسته‌ایم، دیگر جا نیست و میهمانان نام‌آشنای دیگری هم قرار است برای دیدار با جلال ستاری بیایند. جاهایمان را عوض می‌کنیم و می‌نشینیم پشت میزی بزرگ‌تر. مسعود کیمیایی و قباد شیوا، دیگر هنرمندان نام‌آشنایی هستند که قرار است بیایند. اول قباد شیوا می‌رسد و کمی بعد کیمیایی. «همه ما فرزندان جلال هستیم». این را کیمیایی همین‌که از راه می‌رسد، بعد از خوش‌وبشی گرم با دوست قدیمی‌اش به زبان می‌آورد و بعد می‌گوید که جلال ستاری در سال‌های پیش از انقلاب در فرهنگ و هنر، پشت چه فیلم‌های مهمی که نایستاده است، از جمله پشت فیلم‌های خود او و فیلم‌های سهراب شهیدثالث. ستاری سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «سرِ آن فیلم سفر سنگ، آقا نمی‌دانی ما چه داستانی داشتیم. هی می‌گفتند این سنگ معنی‌اش چیست و ما می‌گفتیم هیچ معنای خاصی ندارد». ستاری از فیلم «غزل» کیمیایی هم به‌عنوان یکی از فیلم‌های موردعلاقه‌اش یاد می‌کند و از کیمیایی سراغ کار تازه را می‌گیرد و کیمیایی می‌گوید مشغول مراحل پیش‌تولید فیلم تازه‌اش به نام «قاتل اهلی» است.

دو کتاب تازه از جلال ستاری: ستاری می‌گوید دو کتاب تازه قرار است از او منتشر شود که یکی تألیف است و دیگری ترجمه. کتاب تألیفی، کتابی است درباره سازمان پرورش افکار که به‌دست رضاشاه تأسیس شد و کتاب ترجمه، کتابی است درباره نمایش در ایرانِ عصر قاجار. جالب اینکه به گفته ستاری، این کتاب در واقع مقاله بلندی است که در همان دوران قاجار در یک نشریه معتبر فرانسوی چاپ شده بوده و نویسنده آن، یک فرانسوی است که در دوران قاجار به ایران آمده بوده و نمایش‌هایی را که آن زمان در دربار و جاهای مختلف اجرا می‌شده دیده است و درباره آنها نوشته و از این نمایش‌ها عکس هم برداشته که این عکس‌ها هم ضمیمه کتابی خواهند بود که ستاری ترجمه کرده است. ساعت نزدیک پنج است و جلال ستاری و لاله تقیان عجله دارند تا به ترافیک اتوبان کرج نخورند. مراسم به پایان می‌رسد. همراه دیگران، نویسنده «اسطوره تهران» را تا دمِ درِ مکتب تهران بدرقه می‌کنم، به امید دیداری دوباره در آیندَه‌ای هرچه نزدیک‌تر.

بانک ملت
bank mellat

فروش اوراق گواهی سپرده مدت دار، ویژه سرمایه گذاری (عام)

۲۰ % نرخ سود علی الحساب سالانه

شرایط اوراق

* یک ساله
* با نام
* مقاطع پرداخت سود: به صورت ماهانه

از تاریخ شنبه ۳۰ آبان ماه به مدت ۵ روز کاری

در کلیه شعب بانک ملت

مرکز ارتباط ملت: ۱۵۵۶ شهرستان: ۸۲۴۸۸-۰۲۱ پیام کوتاه: ۲۰۰۰۳۰ روابط عمومی

www.bankmellat.ir

بانک رفاه کارگران

سامانه تولید رمز یک‌بار مصرف موبایلی

رمز یکبار مصرف موبایلی، یک نرم‌افزار تولید رمز برای افزایش ضریب امنیتی تراکنش‌های مالی و غیر مالی در سامانه‌های بانکداری الکترونیک بانک رفاه کارگران است که قابل استفاده بر روی انواع سیستم‌عامل‌های تلفن همراه شامل: iOS، Android و Java است.

نرم افزار مذکور را از وب‌سایت بانک رفاه به نشانی www.refah-bank.ir دریافت و نسبت‌به نصب آن اقدام کنید.

برای فعال‌سازی به شعب بانک مراجعه کنید.

www.refah-bank.ir

مرکز فراد (پاسخگویی و اطلاع رسانی): ۸۵۲۵-۰۲۱